

بررسی نقش تعدیل گر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۲

محمد حسین ودیعی نوقابی^۱

محمد نوروزی^۲

عباس قدرتی زوارم^۳

سهیلا تیمورپور^۴

چکیده:

رسوایی اخیر شرکت‌های بزرگ موجب نگرانی عمومی در یکپارچگی اطلاعات منتشرشده در بازار سرمایه و عملکرد اخلاقی در فرایند گزارشگری مالی شده است. کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از کمیته‌های فرعی از هیئت‌مدیره و جزئی ضروری از ساختار اثربخش کنترل داخلی شرکت به حساب آمده و همچنین وظیفه بااهمیتی از طرف سهامداران جهت نظارت بر فرایند گزارشگری مالی و حسابرسی داخلی و همچنین حسابرسی مستقل دارد. لذا بر پایه این استدلال، هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود است. جامعه آماری پژوهش، متشکل از ۹۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ است. جهت آزمون فرضیات پژوهش از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. نتایج بدست آمده از فرضیات پژوهش نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با یک حسابرس متخصص در صنعت در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که اثر تعدیل گر اندازه موسسه حسابرسی بر اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد. و بنابر نتایج بدست آمده از فرضیه سوم نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با دوره تصدی حسابرس در تعامل است احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد.

کلمات کلیدی: کمیته حسابرسی، اثربخشی کمیته حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، مدیریت سود

۱ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول
Email: mhvadeei@ferdowsi.um.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۳ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

۴ کارشناس ارشد حسابرسی، گروه حسابداری، واحد علی آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آبادکتول، ایران

مقدمه □

امروزه مدیریت مناسب و نظارت بر امور شرکت‌های سهامی عام، یکی از مسائل اساسی مطرح شده در نظام اقتصادی کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران است. با توجه به تحولات دنیای کنونی، حفظ منافع سرمایه‌گذاران به عنوان تأمین‌کنندگان سرمایه و همچنین گروه استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی بیش از پیش ضرورت یافته است (علوی طبری و عصابخش، ۱۳۸۹). بنابراین در هر سازمان، وجود یک سازوکار راهبری شرکتی اثربخش، به منظور حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران برای دست‌یابی به اطلاعات درست و منصفانه در مورد شرکت، حیاتی است. هدف نظام راهبری شرکتی، کسب اطمینان از عدم وقوع رفتار فرصت‌طلبانه است (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه، موضوع سازوکارهای حاکمیت شرکتی توجه عمده‌ای را در جهان علمی به خود جلب کرده است. این علاقمندی در درجه اول به دو دلیل می‌باشد: اول؛ اثر فشار جهانی شدن (رقابت پذیری)، فن‌آوری‌های جدید، محیط اجتماعی و فرهنگی زیست محیطی و دوم، رسوایی‌های مالی شرکت‌های بزرگ در چندین شرکت (از جمله انرون، ورلد‌کام،... و غیره) که باعث ایجاد بحران اعتماد در خصوص قابلیت اطمینان به اطلاعات مالی و در عین حال تأثیر بسیار بدی بر رفتار سهامداران می‌باشد. در واقع، این شکست‌ها معمولاً ناشی از تضاد منافع است که در رابطه نمایندگی بین مالک و مدیران وجود دارد. در این بین، ایجاد یک ساختار نظام مند برای حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، بهبود کیفیت اطلاعات مالی از طریق مکانیزم‌هایی صورت پذیراست که بر پاسخگویی سازمان‌ها و شفافیت اطلاعات مالی، و قوانین متفاوتی که صادر شده است (به عنوان مثال قانون ساربینز آکسلی در ایالات متحده آمریکا، سال ۲۰۰۲؛ قانون امنیت مالی در فرانسه، ۲۰۰۳؛ قانون امنیت مالی در تونس ۲۰۰۵)، نظارت می‌گردد (زیهری، ۲۰۱۶). حسابرسان به عنوان مکانیسم اجتماعی جهت کمک به نظارت و کنترل رفتار مدیران و به عنوان ابزار سیاسی دولت‌ها است. نیاز به کیفیت حسابرسانی از آن‌جا ناشی می‌شود که بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران تقارن اطلاعاتی وجود ندارد (رؤیایی و آذین فر، ۱۳۹۱). با توجه به اینکه شرکت‌ها انگیزه کافی برای مدیریت سود دارند، ارزش حسابرسانی افزایش می‌یابد زیرا حسابرسانی انگیزه فرصت‌طلبی مدیریت در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد (چن و همکاران، ۲۰۱۰). پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند شرکت‌هایی که حسابرسان بزرگ و با کیفیت دارند، مدیریت سود در آن‌ها کمتر از شرکت‌هایی بوده است که توسط مؤسسات حسابرسانی کوچک حسابرسانی شده‌اند (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین، پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد وجود کمیته حسابرسانی قوی و کارآمد در کنار حسابرسانی داخلی و مستقل، موجب افزایش سطح کیفیت حسابرسانی، کمک به مدیریت در بهبود امر راهبری سازمان با توصیه‌های مفید و افزایش سطح مسئولیت پاسخگویی در برابر ذینفعان می‌شود (ساسانی و شریفی‌راد، ۱۳۹۲). سان و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند وجود کمیته حسابرسانی علاوه بر ارتقاء سطح کیفی مکانیزم حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴). به این منظور، بسیاری از محققان بیان می‌کنند که وجود تعامل، بین سازوکارهای مختلف داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی باید عمیقاً مورد تجزیه

و تحلیل قرار گیرد (آگروال و نوبر، ۱۹۹۶؛ فلوراکیس، ۲۰۰۵). در این راستا، بسیاری از محققان روابط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و شاخص‌های مربوط به کیفیت حسابرسی در کاهش مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند (پیسنل و همکاران، ۲۰۰۳؛ کوهن و همکاران، ۲۰۰۸؛ داتیلیکس و ویلکنز، ۲۰۱۰). لنوکس و پارک (۲۰۰۷) دریافتند که کمیته حسابرسی مهم‌ترین مکانیزم حاکمیت شرکتی با توجه به تعاملات حسابرسی شرکت است زیرا ارجحیت کمیته حسابرسی به این است که این کمیته مسئول اشتباهات سهوی حسابرس مستقل و نیز کنترل کیفیت حسابرسی است. نتایج تجزیه و تحلیل در این پژوهش را می‌توان به جذابیت چارچوب‌های نظری حاکمیت شرکتی (دیویدسون و همکاران، ۲۰۰۵؛ بیسلی و همکاران، ۲۰۰۹)، اثربخشی کمیته حسابرسی (لنوکس و پارک، ۲۰۰۷) و کیفیت حسابرسی (دوتیلیکس و ویلکنز، ۲۰۱۰) بیان کرد (زیه‌ری، ۲۰۱۶). با توجه به اهمیت موضوع کمیته‌های حسابرسی و کیفیت حسابرسی و مدیریت سود، این پژوهش در پی یافتن شواهد تجربی جهت پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا رابطه اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران معنادار است یا خیر؟ همچنین نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش به دانش موجود از نظر تعامل بین کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل در حصول اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی می‌افزاید. به‌ویژه، این پژوهش بیشتر تجزیه و تحلیلی تجربی را بسط می‌دهد که در آن اثربخشی کمیته حسابرسی، در ارتباط میان کیفیت حسابرسی و مدیریت سود، نقش تعاملی را عمل می‌کند. از سویی دیگر این پژوهش به ادبیات موجود از دو لحاظ نظریه و همچنین تجربی کمک شایانی به پژوهشات پیش روی می‌کند.

□ مبانی نظری پژوهش

اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی

نظریه نمایندگی و نظریه ذینفعان نظریه‌هایی است که توسط گسترده‌ترین چارچوب نظری به کار رفته در حسابداری و مطالعات حاکمیت شرکتی، به رسمیت شناخته شده‌اند. بنابراین، برای رسیدن به هدف این پژوهش، از نظریه نمایندگی به عنوان چارچوب نظری، و به منظور ارائه یک ساختار تئوریکی جهت بررسی رفتار مدیران در سازمان‌های متفاوت استفاده شده است. در این دیدگاه، نظریه نمایندگی درک روشنی در مورد ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی و تأکید بر این مطلب به عنوان مهم‌ترین سازوکارهای نظارت، به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی، کاهش تضاد منافع و کاهش مدیریت سود در چارچوب نظری فراهم می‌نماید. مسائل نمایندگی زمانی مطرح می‌شود که یک یا چند سرمایه گذار (به عنوان مثال یک مالک) شخص دیگری را به عنوان نماینده خود (و یا مباشر) به منظور انجام خدمات، به عنوان نماینده خود جایگزین می‌نماید (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). بنابراین مبانی نظری این پژوهش به دو دلیل متکی بر نظریه نمایندگی می‌باشد: اول، نظریه نمایندگی، دلیل تقاضا برای اعمال نظارت توسط کمیته حسابرسی و حسابرسان مستقل را توضیح می‌دهد. در واقع، حسابرسان و کمیته حسابرسی به عنوان نماینده سرمایه گذاران، می‌توانند

از سرمایه‌گذاران درخصوص آنچه که منجر به نگرانی‌های بیشتر آن‌ها در مورد اطمینان، تهدیدات مرتبط با بی‌طرفی و استقلال و نیاز مداوم برای یافتن مکانیزم‌های بیشتر مانند مقررات، به منظور هماهنگ ساختن منافع سهامداران مختلف می‌شود، حمایت نمایند. دوم، بازیگران حاکمیت شرکتی، مانند کمیته حسابرسی و حساب‌رسان خارجی، نظارتی را که دارای ارزش با اهمیتی است و وابسته به توانایی آنان برای کاهش دادن احتمال این که گزارش‌های مالی شرکت حاوی تناقض است، ارائه می‌دهند. چنانچه مشکلات نمایندگی شدیدتر شود، نظریه نمایندگی بیان می‌کند که مدیریت جهت اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی به سهامداران، نظارت بالاتری را، تقاضا خواهد کرد. پارکر (۱۹۹۲) کمیته حسابرسی را به عنوان یک زیر مجموعه از هیات مدیره مطرح نموده و آن را تأمین کننده رسمی ارتباط میان هیات مدیره، سیستم کنترل داخلی و حساب‌رسان مستقل می‌داند. میچل و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که تعامل بین کمیته حسابرسی و حساب‌رسان خارجی به طور بالقوه می‌تواند موجب بهبود و ارتقا کیفیت اطلاعات منتشر شده به سهامداران خارجی شود. علاوه بر این، تاثیرات متقابل کمیته حسابرسی با کیفیت حساب‌رسان مستقل فرصت‌هایی را به منظور درک این که آیا حساب‌رسان از نظر درستکاری و بی‌طرفی جهت محدود نمودن رفتار مدیریت فرصت طلب همچون سود مدیریت، تأیید می‌شود، بوجود می‌آورد.

کمیته حسابرسی باید مستقل از مدیریت باشد تا قادر به اعمال نظارت مؤثر گردد. با این مضمون، نپ (۱۹۸۷) نشان داد که یکی از شرایط مرتبط در تعیین تصمیم کمیته حسابرسی، حفظ حسابرسی آن شرکت، به عنوان رأس نظارت بر عملکرد مدیریت است که در استدلال استقلال اعضای کمیته حسابرسی مطرح شده است. علاوه بر این، دی زورت و سالتریو (۲۰۰۱) دریافتند که استقلال کمیته حسابرسی به احتمال زیاد، درکی از جایگاه حساب‌رسان مستقل است. به علاوه، ابوت و پارکر (۲۰۰۰) به این نتیجه رسیدند که کمیته حسابرسی، قابلیت اطمینان بیشتری را در خصوص گزارش‌های مالی حسابرسی شده توسط مؤسسات حسابرسی فراهم می‌کند. آن‌ها استدلال کردند که حساب‌رسان مستقل به مدت طولانی، ارتباطی پایدار با کمیته حسابرسی ایجاد نمودند که قادر به بهبود و ارتقا ضمانت موثرتر خدمات آن‌ها می‌گردد. به این صورت که آن‌ها دارای حمایت کامل‌تری از سوی کمیته حسابرسی خواهند بود. در مطالعات بعدی، آرشامبولت و دی زورت (۲۰۰۱) نشان دادند که با توجه به استقلال اعضای کمیته حسابرسی به میزان ناچیزی احتمال عزل حساب‌رسان شرکت پس از کشف یک رویداد قابل گزارش (مانند تغییر اظهارنظر حسابرسی) وجود دارد. مطالعات کارسلو و نیل (۲۰۰۳) نشان داد که استقلال کمیته حسابرسی، با احتمال انتصاب حساب‌رسان به دنبال «ارائه یک گزارش با اهمیت» رابطه ای منفی دارد.

ابوت و پارکر (۲۰۰۰) به بررسی رابطه میان تناوب جلسات کمیته حسابرسی و تخصص صنعت حساب‌رسان پرداختند. در واقع، آن‌ها دریافتند که تعداد جلسات کمیته حسابرسی با انتخاب یک حساب‌رسان با کیفیت و بهتر برای شرکت، به میزان زیادی مرتبط است. بنابراین، کمیته حسابرسی که در اغلب موارد این جلسات را تشکیل می‌دهد، به احتمال زیاد به درک تخصص صنعت به عنوان یک مهارت مهم در حسابرسی مستقل نائل آمده است و بر این اساس حساب‌رسان متخصص در صنعت را

تعیین می‌نماید. نپ (۱۹۸۷) ادعا کرد که تجربه و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی، نسبت به کمیته حسابرسی که از اعضای با تجربه و تخصص غیر از حسابداری و مالی تشکیل شده است، به احتمال زیاد منجر به حمایت بیشتری از حسابرسی در مورد اختلاف بین حسابرسی با صاحبکار می‌شود. دی زورت و سالتریو (۲۰۰۱) نشان دادند که اعضای کمیته حسابرسی با تخصص مالی، به هنگام تضاد میان حسابرسان با مدیریت، به احتمال زیاد حامی حسابرسی آن شرکت با توجه به «رجحان محتوا بر شکل» خواهند بود. میکس نر و ویلکر (۱۹۸۸) بیان کردند که تعامل بین دو طرف قرارداد (کمیته حسابرسی و حسابرسی مستقل) در صورت همکاری، رشد و توسعه را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، به احتمال زیاد کمیته حسابرسی به منظور حمایت یکسان از حسابرسان تا زمانی که حسابرسان گزارش‌ها مالی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌دهند، مؤثر است. با این حال، در صورت دستیابی به هدف مشترک و متعاقباً افزایش دوره تصدی، کمیته حسابرسی که روابط بلند مدتی با حسابرسان مستقل دارد، اطمینان و وابستگی بین حسابرسی مستقل و شرکت را به میزان بالایی، افزایش خواهد داد. در نتیجه، تصدی بلند مدت حسابرسی ممکن است مدیریت سود را افزایش دهد. در عین حال، منری و همکاران (۲۰۰۸) اشاره کردند که بین دوره تصدی حسابرسی و برآورد ارقام تعهدی اختیاری برای مالکان کوچک رابطه معنادار و منفی وجود دارد، در حالی که میان تصدی حسابرسی و ارقام تعهدی اختیاری مورد انتظار برای مالکان بزرگ رابطه معناداری وجود ندارد. دوره (چرخش) حسابرسی ممکن است کیفیت حسابرسی شرکت‌ها را افزایش ندهد، اما دارای نتایج معکوس برای برخی از شرکت‌ها خواهد بود. رامنی و استینبارت (۱۹۹۹) اثبات نمودند که نظر حسابرسان این است که کمیته حسابرسی، نشانه‌ای از کنترل‌های داخلی و خارجی اثربخش می‌باشد. آن‌ها افزودند که کمیته حسابرسی موجب افزایش اطمینانی متناسب به گزارش‌ها مالی مدیر صاحبکار و کاهش دستکاری آن‌ها، می‌گردد. دی زورت و همکاران (۲۰۰۲) اظهار داشتند که باید در مورد اینکه آیا تصدی مدیران تحت تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی قرار دارد، در آینده پژوهشات و بررسی‌هایی صورت گیرد. آن‌ها تصریح می‌کنند که این چنین پژوهشاتی، شواهد موثقی برای ملزم ساختن چرخش (تناوب) اعضا کمیته حسابرسی و حمایت از آن فراهم می‌آورد (قانون امنیت مالی ۲۰۰۵).

پیوت و جانین (۲۰۰۷) نقش مهم کمیته حسابرسی در بالا بردن کیفیت فرآیند حسابرسی و کاهش شیوه‌های مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. اول، از طریق نظارت بر انتخاب روش‌های حسابداری و فرآیند گزارشگری مالی. دوم، از طریق هماهنگ سازی حسابرسی داخلی و خارجی و بالاتر از همه، اطمینان حسابرسان خارجی از استقلال و آزادی به دور از فشار مدیریتی (مک مولن و راگوناتان، ۱۹۹۶). در نتیجه، کمیته حسابرسی و حسابرسان با کیفیت باید در محدود نمودن مدیریت سود فرصت طلبانه توانمند باشند (لین و هوانگ، ۲۰۱۰).

□ پیشینه تجربی پژوهش

بومان و راتزینگر (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی تجربی این موضوع پرداختند که چگونه حضور حسابداری که در گذشته در مؤسسات حسابداری مشغول فعالیت بودند در کمیته حسابداری شرکت‌ها، بر کیفیت حسابداری، تأخیر در گزارش‌ها حسابداری، و حق‌الزحمه حسابداری تأثیرگذار است. نتایج نشان داد رابطه معنی‌داری میان حضور حسابسان مستقل در کمیته حسابداری با سطح حق‌الزحمه حسابداری وجود ندارد. در مقابل، حضور این حسابسان در کمیته حسابداری با کیفیت حسابداری رابطه مثبت و معنی‌دار و با تأخیر در گزارش‌ها حسابداری، رابطه منفی و معنی‌دار دارد. گاریکا سنچز و گاریکا مکا و کونادارلو (۲۰۱۷) در پژوهشی رابطه میان حضور کارشناسان مالی در کمیته حسابداری و ریسک ورشکستگی را در بخش بانکی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از بررسی نمونه‌ای متشکل از ۱۵۹ بانک متعلق به کشورهای مختلف در دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ نشان دادند که حضور کارشناسان مالی در کمیته حسابداری با ریسک ورشکستگی رابطه منفی و معنادار دارد. یعنی حضور کارشناسان مالی در کمیته حسابداری باعث کاهش ریسک ورشکستگی می‌شود. این رابطه در بانک‌هایی که سیاست مقابله با فعالیت‌های غیراخلاقی دارند قوی‌تر است. گارنی، هالیوی و زهری (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی اثربخشی کمیته حسابداری و کیفیت حسابداری بر مدیریت سود شرکت‌های تونسسی پرداختند و دریافتند که ارتباط کاملی بین امتیاز اثربخشی کمیته حسابداری و تخصص حسابرس در صنعت با محدود نمودن مدیریت سود وجود دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد رابطه‌ای مکمل بین اثربخشی کمیته حسابداری و تصدی حسابداری، بعد از تصویب قانون امنیت مالی ۲۰۰۵ وجود دارد. حبیب و هویبان (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای با عنوان «مشکل مدیران در کمیته حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی» در نیوزیلند، نشان دادند که اعضای موظف هیئت‌مدیره تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رابطه میان کمیته حسابداری و مدیریت سود واقعی دارند. همچنین نتایج آن‌ها بیانگر این بود که این اثر در مورد مدیران موظفی که در ارائه گزارش متقلبانه فعالیت می‌کنند قوی‌تر است. اشلمن و گو (۲۰۱۴) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری و حق‌الزحمه حسابداری با مدیریت سود پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رابطه‌ای منفی بین حق‌الزحمه حسابداری و احتمال استفاده مدیران از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود وجود دارد. ایتتون و واهاما و واهاما (۲۰۱۳) در پژوهش خود تحت عنوان «کیفیت حسابداری با جنسیت شرکای حسابداری» به بررسی ارتباط بین این متغیرها پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که شرکت‌هایی که توسط شریک زن، حسابداری می‌شوند، در مقایسه با سایر شرکت‌ها، مدیریت سود کمتری دارند. هم‌چنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در این گونه شرکت‌ها مدیریت سود از نوع حداکثر سازی و حداقل سازی سود کمتر از سایر شرکت‌ها است. آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که جنسیت شرکای حسابداری عامل مهمی در تعیین کیفیت حسابداری است. گارون (۲۰۰۹) به بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابداری با مدیریت سودافزایشی از طریق افزایش در فروش و کاهش هزینه‌های اختیاری پرداخت. نتایج نشان داد که شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابداری با اعضای مؤثر مدیریتی هستند، احتمال بیشتری برای

مدیریت سود واقعی دارند.

شایان ذکر است تاکنون در داخل کشور مطالعه‌ای در زمینه اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی صورت نگرفته است و این پژوهش نخستین پژوهشی است که به بررسی این رابطه در داخل کشور می‌پردازد. در ادامه پیشینه تجربی داخلی مرتبط با موضوع پژوهش ذکر می‌گردد.

کامیابی و بوزمهرانی (۱۳۹۵) در مطالعه خود ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره را مورد بررسی قرار دادند. نمونه آن‌ها شامل ۷۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین دو ویژگی کمیته حسابرسی یعنی تجربه و مدت تصدی اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت افشاء شرکت‌ها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، در حالی که بین تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت افشاء رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین یافته‌های پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که نسبت غیرموظف اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشاء تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ اما بر رابطه بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشاء شرکت‌ها اثر تعدیل‌کننده ندارد. صالحی و اورادی و سالاری فورگ (۱۳۹۵)، تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی را بررسی نمودند. نتایج بر اساس بررسی داده‌های ترکیبی ۵۴ شرکت در طول دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ نشان داد که رابطه معناداری بین وجود کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی وجود ندارد. همچنین بررسی داده‌های ۱۴۲ شرکت در طول دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ نشان داد که بین تخصص مالی و تجربه کمیته حسابرسی با تأخیر گزارش حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. صفایی و همتی و داغانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرسی بر تأخیر در گزارشگری مالی پرداختند. نتایج نشان داد که میان اندازه موسسه حسابرس، تعدیلات سنواتی، اظهارنظر حسابرس، دوره تصدی حسابرس و اهرم مالی با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد و بین سودآوری شرکت با تأخیر در گزارشگری رابطه معنادار منفی وجود دارد. همچنین بین سایر متغیرها (تغییر شریک یا مدیر امضاکننده گزارش حسابرسی، رتبه کیفی مؤسسات حسابرس، رتبه نقد شوندگی و اندازه شرکت حسابرسی شونده) با تأخیر در گزارشگری مالی رابطه معناداری مشاهده نگردید. جامعی و رستمیان (۱۳۹۵) در پژوهشی ارتباط تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با ویژگی‌های پیش‌بینی سودهرسهام مدیریت را بررسی کردند. شواهد نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با صحت پیش‌بینی سود رابطه مثبت دارد. همچنین نتایج نشان داد که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با پراکندگی پیش‌بینی‌های سود ارتباطی منفی دارد.

□ فرضیات پژوهش

فرضیه اول: هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با یک حسابرس متخصص در صنعت در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد.

فرضیه دوم: هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با اندازه موسسه حسابرسی در تعامل

هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. فرضیه سوم: هنگامی که یک کمیته حسابداری اثربخش با دوره تصدی حسابرسان در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد

□ روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده از نوع پژوهشات نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه پژوهشات اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است. جهت آزمون فرضیه پژوهش از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ تشکیل می‌دهد. نمونه آماری پژوهش نیز شامل ۹۶ شرکت می‌باشد که به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است.

داده‌های تحقیق حاضر از پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و نیز از نرم افزار رهاورد نوین استخراج گردیده است. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی EViews نسخه نهم صورت گرفته است.

□ متغیرها و مدل‌های مورد استفاده

متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیل‌کننده و کنترلی به شرح زیر اندازه‌گیری شده‌اند:

مدل‌های رگرسیونی لازم برای آزمون فرضیات پژوهش به شرح زیر می‌باشد:
برای سنجش فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SCOREAC_{i,t} + \beta_2 SPEC_{i,t} + \beta_3 SCOREAC * SPEC_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 MVB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای سنجش فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SCOREAC_{i,t} + \beta_2 REPUT_{i,t} + \beta_3 SCOREAC * REPUT_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 MVB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای سنجش فرضیه سوم پژوهش از مدل رگرسیونی زیر استفاده خواهد شد:

$$EM_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SCOREAC_{i,t} + \beta_2 TENURE_{i,t} + \beta_3 SCOREAC * TENURE_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 MVB_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$SCOREAC_{i,t}$: مجموع نمرات به دست آمده از اثربخشی کمیته حسابرسی (استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی، جنسیت کمیته حسابرسی) شرکت i در سال t .

$REPUT_{i,t}$: اندازه موسسه حسابرسی شرکت i در سال t .

$SPEC_{i,t}$: تخصص حسابرس در صنعت i در سال t .

$TENURE_{i,t}$: دوره تصدی حسابرس شرکت i در سال t .

$SCOREAC * REPUT_{i,t}$: اثر تعاملی کمیته حسابرسی بر اندازه موسسه حسابرسی شرکت i در سال t .

$SCOREAC * SPEC_{i,t}$: اثر تعاملی کمیته حسابرسی بر تخصص حسابرس در صنعت شرکت i در سال t .

$SCOREAC * TENURE_{i,t}$: اثر تعاملی کمیته حسابرسی بر دوره تصدی حسابرس شرکت i در سال t .

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t .

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t .

$ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی شرکت i در سال t .

$MVB_{i,t}$: ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t .

□ نحوه اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: اثربخشی کمیته حسابرسی

برای محاسبه کمیته حسابرسی از چهار معیار که در پژوهش گارنی، هالیوی و زهری (۲۰۱۶) مورد بررسی قرار گرفته است، استفاده شده است: (۱) اندازه کمیته حسابرسی؛ (۲) استقلال کمیته حسابرسی؛ (۳) تخصص کمیته حسابرسی، (۴) تعداد جلسات کمیته حسابرسی استفاده شده است. اثربخشی کمیته حسابرسی شامل مجموع نمرات (استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی، تعداد جلسات کمیته حسابرسی) است که تابع ریاضی آن به صورت زیر بیان شده است.

$$ACE_{i,t} = \sum (ACIND_{i,t} + ACEXP_{i,t} + ACSIZE_{i,t} + ACMEE_{i,t})$$

که در آن:

$ACIND_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر در پایان سال مالی مدیران کمیته حسابرسی باشند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (گارنی، هالیوی و زهری، ۲۰۱۶).

$ACEXP_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر در پایان سال مالی بیش از دو عضو از اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی و حسابداری و مدیریت باشند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (همان منبع).

$ACSIZE_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر اعضای کمیته حسابرسی در پایان سال مالی حداقل ۳ عضو باشند، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک خواهد بود (همان منبع).

$ACMEE_{i,t}$: یک متغیر ساختگی است که اگر اعضای کمیته حسابرسی بیشتر از ۶ جلسه تشکیل شده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود (همان منبع).

□ متغیر تعدیل‌گر: کیفیت حسابرسی

اندازه موسسه حسابرسی: چنانچه حسابرسی یک شرکت بر عهده سازمان حسابرسی باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ خواهد گرفت.
تخصص حسابرسی در صنعت: تخصص حسابرسی در صنعت؛ با رویکرد سهم بازار اندازه‌گیری شده است، بر طبق این معیار:

$$MKTSHR_{i,t} = \frac{\sum_{j=1}^{j_k} SALES_{ijk}}{\sum_{i=1}^{i_k} \sum_{j=1}^{j_k} SALES_{ijk}}$$

که در آن؛ i نشان‌دهنده حسابرسان و j بیانگر شرکت‌های صاحب‌کار؛ k بیانگر صنایع حسابرسی شده و I_k ، تعداد حسابرسان در صنعت k ؛ J_{ik} ، صاحب‌کاران حسابرسی شده توسط حسابرس i در صنعت k ؛ $SALES_{ijk}$ ، درآمد فروش صاحب‌کار j حسابرسی شده توسط حسابرس i می‌باشد.
دوره تصدی حسابرسی: تعداد سال‌های متوالی که یک حسابرسی، توسط یک شرکت انتخاب‌شده است.

□ متغیر وابسته: مدیریت سود

برای اندازه‌گیری مدیریت سود، مدل‌های مختلفی وجود دارد که در این پژوهش با استفاده از مدل تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۵) برای برآورد اقلام تعهدی استفاده شده است:

$$ACCR_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 (\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \alpha_2 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$ACCR_{i,t}$: اقلام تعهدی شرکت i در سال t ؛

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در درآمد شرکت که با استفاده از میزان تغییر در فروش سال جاری نسبت به

سال قبل است؛

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌های دریافتی خالص در سال t نسبت به سال $t-1$ است؛

$PPE_{i,t}$: ارزش ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t است.

□ متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): با استفاده از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت برآورد شده است. به دلیل استقرار سیستم‌های کنترل قوی در شرکت‌های بزرگ، احتمال وقوع اشتباه -چه سهوی چه عمدی- در صورت‌های مالی کاهش پیدا می‌کند و به تبع آن حسابرسان می‌توانند اتکای بیشتری بر سیستم کنترل داخلی شرکت نموده و به نحو قابل ملاحظه‌ای حجم آزمون‌های محتوا را کاهش دهند (علوی طبری و عارف منش، ۱۳۹۲).

اهرم مالی (LEV): با استفاده از نسبت کل بدهی‌های شرکت به کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید (علوی طبری و عارف منش، ۱۳۹۲).

نسبت ارزش بازار به دفتری (MTB): برابر است با نسبت ارزش بازار کل حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل حقوق صاحبان سهام (گارنی، هالیوی و زهری، ۲۰۱۶). شرکت‌هایی که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بیشتری دارند، به سبب اینکه شاید بخش اعظم ارزش سرمایه‌گذاری‌شان مربوط به پروژه‌های با ریسک بالا باشد و در مواقع ورشکستگی، شرکت با دعاوی حقوقی زیادی علیه خود مواجه باشد، لذا طبق تبیین دعاوی حقوقی محافظه‌کاری نیاز بیشتری به رویه‌های محافظه‌کارانه دیده می‌شود (خان و واتس^۵، ۲۰۰۹).

نرخ بازده دارایی (ROA): از تقسیم سود خالص بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست می‌آید (محرم زاده، مرادزاده فرد و بنی مهد، ۲۰۱۷).

□ یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش که شامل بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد برای نمونه ای متشکل از ۴۸۰ شرکت-سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد.

جدول (۱) نشان می‌دهد که با توجه به میانه اثربخشی کمیته حسابداری، بیشتر شرکت‌ها دارای

کمیته‌های اثربخش حسابداری بوده‌اند. همچنین، دوره تصدی حسابداری به عنوان معیاری از کیفیت حسابداری نشان دهنده آن است که بیشترین سالی که حسابداری در شرکت حسابداری کرده است به مدت ۵ سال بوده است. که شرکت ایران خودرو دیزل از سال پژوهش توسط سازمان حسابداری، صورت‌های مالی گزارش‌های سالانه حسابداری شده است. از سویی دیگر با توجه به میانه مدیریت سود نشان می‌دهد که شرکت‌های نمونه از مدیریت سود پایینی برخوردارند.

جدول (۱) - آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
اثربخشی کمیته حسابداری	۳/۳۱۶۶۶	۳/۰۰۰۰	۴/۰۰۰۰	۲/۰۰۰۰	۰/۲۵۴۸۷	۲/۶۵۲۴	۰/۲۴۹۳
تخصص حسابداری در صنعت	۱/۸۶۸۷۵	۲/۰۰۰۰	۳/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۱۲۲۴۳	-۲/۷۹۵	۰/۱۹۹
دوره تصدی حسابداری	۵/۸۰۶۲۵	۴/۲۳۶۸۴	۵/۰۰۰۰	۳/۰۰۰۰	۰/۵۳۷۱۱	۳/۶۷۷	۰/۵۵۲
اندازه موسسه حسابداری	۰/۲۲۷۰۸	۰/۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۴۱۸۹۴	۲/۹۰۹	۰/۲۳۲
مدیریت سود	۰/۰۵۵۸۱	۰/۰۴۵۶۳	۰/۴۱۶۳	۰/۰۲۳۴	۰/۰۵۲۴۳	۲/۱۳۳۸	۰/۸۲۶۳
اندازه شرکت	۶/۱۳۱۶۶	۶/۰۲۲۲۵۱	۷/۲۹۷۷۱	۵/۴۱۵۲۷	۰/۶۶۳۳۸	۳/۵۶۳۶	۰/۷۴۵۱
ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	۰/۱۹۱۷۰	۰/۱۷۷۱۶	۰/۱۶۳۵۱	۰/۱۱۸۰۹	۰/۱۰۷۷۸	۳/۴۲۳	۰/۲۵۴
نرخ بازده دارایی	۰/۱۰۸۷۳	۰/۱۱۹۳۰	۰/۱۲۹۳۰	-۰/۸۴۲۴۷	۰/۱۷۵۵۸	-۳/۵۹۹	۱/۴۲۰
اهرم مالی	۰/۶۲۱۲۳	۰/۶۲۲۹۰	۰/۶۷۷۵۰	۰/۴۱۰۹۱	۰/۲۳۷۵۸	-۳/۰۱۶۵	۰/۳۱۴

□ بررسی ناهمسانی واریانس

برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس جملات اخلاص از آماره آزمون بروش پاگان^۶ استفاده شده است. نتیجه آزمون ناهمسانی واریانس بروش پاگان مدل برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران به شرح جدول (۲) است. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۲، تمامی جملات خطای موجود در مدل‌های پژوهش، ناهمسانی واریانس دارند. برای رفع این مشکل از روش رگرسیونی EGLS (حداقل مربعات تعمیم یافته) استفاده شده است.

6- Breush-Pagan-Godfrey

جدول ۲. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

شماره مدل	آماره	احتمال chi2	نتیجه آزمون
مدل (۱)	۳/۷۴۱	۰/۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
مدل (۲)	۵/۶۹۴	۰/۰۰۲	وجود ناهمسانی واریانس
مدل (۳)	۶/۴۴۸	۰/۰۰۸	وجود ناهمسانی واریانس

آزمون F لیمر

به منظور گزینش یکی از روش‌های داده‌های پانلی یا داده‌های یکپارچه، از آماره F لیمر استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۳) نشان می‌دهد که مقدار آماره آزمون F برابر ۳/۱۴۲ و سطح معناداری کوچک‌تر از سطح آزمون است که این نتایج بیانگر متفاوت بودن عرض از مبدأهای مقاطع مختلف است و روش آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون F لیمر

شماره مدل	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	سطح آزمون
مدل (۱)	۱/۰۴۲	۹۵/۳۵۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۵
مدل (۲)	۱/۳۲۷	۹۵/۳۵۳	۰/۰۰۲۶	۰/۰۵
مدل (۳)	۱/۵۲۴	۹۵/۳۵۳	۰/۰۰۶۸	۰/۰۵

□ آزمون هاسمن

برای انتخاب یکی از دو روش اثرهای ثابت یا اثرهای تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۴ ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، مقدار آماره آزمون هاسمن در اینجا برابر ۱۰/۲۵۴ است و با توجه به اینکه سطح معناداری کوچک‌تر از سطح آزمون است، بنابراین روش آثار ثابت انتخاب می‌شود. با توجه به موارد ذکر شده در بالا از رگرسیون (GLS) و مدل اثرات ثابت استفاده می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون هاسمن

شماره مدل	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	سطح آزمون
مدل (۱)	۱۶/۲۵۴	۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۵
مدل (۲)	۱۲/۳۴۸	۷	۰/۰۰۳۶	۰/۰۵
مدل (۳)	۱۴/۱۱۸	۶	۰/۰۰۰۴	۰/۰۵

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش در جدول (۵) نشان داده شده است: مدل اول نشان دهنده آن است که هنگامی که یک کمیته حسابداری اثربخش با یک حسابرس متخصص صنعت در تعامل است، مدیریت سود کاهش می‌یابد. نتیجه بدست آمده را می‌توان اینگونه تفسیر نمود که هرچه کمیته‌های حسابداری در شرکت‌ها اثربخش‌تر باشد منجر به افزایش کیفیت حسابداری و در نهایت منجر به کاهش مدیریت سود در شرکت‌ها خواهد شد. با توجه به ضریب مدل دوم پژوهش که (۲/۰۹۶-) بدست آمده، بیانگر آن است که با توجه به تعامل کمیته‌های حسابداری اثربخش با اندازه موسسه حسابداری، مدیریت سود کاهش می‌یابد. همچنین نتایج مدل سوم نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابداری اثربخش با دوره تصدی حسابرس در تعامل هستند، مدیریت سود کاهش می‌یابد.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل‌های پژوهش

مدل ۳				مدل ۲				مدل ۱				متغیرها
VIF	سطح خطا	t	ضریب	VIF	سطح خطا	t	ضریب	VIF	سطح خطا	t	ضریب	
---	۰/۰۱۷	۲/۴۶۸	۰/۵۰۵	---	۰/۰۰۲	۲/۹۹۶	۰/۴۲۶	---	۰/۱۸۹	۱/۳۱۴	۰/۴۰۹	c
---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	EM
۱/۳۳	۰/۲۶۷	-۰/۱۱۱	-۰/۱۹۶	۱/۳۹	۰/۰۴۲	-۲/۰۹۶	-۴/۸۵۰	۱/۱۵	۰/۰۳۵	-۲/۱۸۷۵	-۲/۶۲۸	ScoreAC
---	---	---	---	---	---	---	---	۲/۳۴	۰/۰۰۵	۲/۲۴۴	۰/۷۸۲	SPEC
---	---	---	---	۲/۴۹	۰/۰۱۸	۲/۱۲۵	۰/۹۹۸	---	---	---	---	REPUT
۲/۶۸	۰/۸۰۶	-۰/۲۴۴	-۰/۱۸۹	---	---	---	---	---	---	---	---	TENURE
---	---	---	---	---	---	---	---	۳/۴۶	۰/۰۰۰	۲۱/۲۴	۸/۴۰۹	ScoreAC*SPEC
---	---	---	---	۳/۶۷	۰/۰۰۷	-۲/۶۷۵	-۰/۱۵۱	---	---	---	---	ScoreAC*REPUT
۲/۴۶	۰/۰۰۲	-۳/۱۰۳	-۰/۱۶۳	---	---	---	---	---	---	---	---	ScoreAC*TENURE
۳/۲۳	۰/۴۸۳	۰/۷۰۰	۰/۰۷۹	۱/۶۸	۰/۰۳۹	-۲/۶۸۹	-۰/۳۴۸	۱/۲۳	۰/۰۲۹	۲/۴۵۷	۰/۰۲۸	SIZE
۲/۸۳	۰/۱۹۳	۱/۳۰۲	۰/۰۶۵	۲/۸۳	۰/۰۰۹	۵/۶۴۵	۰/۴۶۸	۲/۸۳	۰/۱۸۴	-۱/۳۳۱	-۰/۰۶۸	MVB
۱/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۸۲۴	۰/۳۳۷	۱/۲۳	۰/۰۰۰	۳/۳۶۵	۰/۳۲۰	۱/۲۳	۰/۰۰۰	۳/۹۷۲	۰/۳۳۷	ROA
۱/۶۵	۰/۰۳۳	۲/۰۴۴	۰/۲۳۷	۱/۶۵	۰/۲۴۸	۰/۸۹۴	۰/۱۴۹	۱/۶۵	۰/۰۳۸	۲/۰۳۴	۰/۲۳۷	LEV
	۰/۶۸۴				۰/۶۴۲				۰/۶۶۳			R _۲
	۱۰/۳۷۵				۱۰/۴۴۹				۱۲/۳۶۵			آماره F
	۰/۰۰۰۰				۰/۰۰۰۰				۰/۰۰۰۰			احتمال F
	۲/۳۴۵				۲/۴۲۸				۲/۳۶۱			دوربین واتسون

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر، نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد آزمون قرار گرفته است. به منظور بررسی فرضیات پژوهش با استفاده از مدل برآورد شده که در پژوهش گارنی و همکاران (۲۰۱۶) به تأثیر هر یکی از معیارهای کمیته حسابرسی (اندازه کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی و جنسیت کمیته حسابرسی)، تعریف و تخمین زده شد. همچنین برای کیفیت حسابرسی از معیارهای (تخصص حسابرسان در صنعت، دوره تصدی حسابرسان و اندازه موسسه حسابرسی) که در پژوهش سلطان (۲۰۱۰) مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده شد. سپس با توجه به نتایج بدست آمده از مدل، هر فرضیه به طور جداگانه بررسی گردید و در نهایت نتیجه کلی برای هر فرضیه بیان شد. در این بخش به تفسیر نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها خواهیم پرداخت.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با یک حسابرسان متخصص در صنعت در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. نتایج حاصل از فرضیات پژوهش را می‌توان اینگونه استدلال نمود که با توجه به اینکه سازوکارهای راهبردی شرکتی که اهمیت فزاینده‌ای دارد، که یکی از این مکانیزم‌ها وجود کمیته حسابرسی است؛ این سازوکارها از طریق اداره نحوه عمل شرکت، به طور صحیح بر شرکت‌ها نظارت دارد. و از سویی دیگر اگر کمیته‌های حسابرسی با حسابرسان متخصص در صنعت مواجه باشند به تبع اطمینان از گزارش حسابرسی با دقت بهتر را به همراه دارد و این امر منجر به کاهش مدیریت سود (رفتر فرصت طلبانه مدیر) خواهد شد. چرا که یک حسابرسان متخصص در صنعت با دانش و تجربه خود در آن صنعت می‌تواند مسائل مرتبط با مدیریت سود را به درستی و با دانش خود کشف نماید و در نهایت منجر به افزایش اطمینان صورت‌های مالی جهت استفاده کنندگان برون سازمانی گردد. نتیجه فرضیه پژوهش با مطالعات متعددی توسط محققانی همچون بومان و راتزینگر (۲۰۱۷) که در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که حضور حسابرسان در کمیته حسابرسی با کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری دارد در یک راستا می‌باشد. همچنین مطالعه صورت گرفته توسط گارنی، هالیوی و زهری (۲۰۱۶) همسو با فرضیه پژوهش حاضر است؛ دریافتند که ارتباط کاملی بین امتیاز اثربخشی کمیته حسابرسی و تخصص حسابرسان در صنعت با محدود نمودن مدیریت سود وجود دارد. یکی دیگر معیارهای کیفیت حسابرسی در این پژوهش، اندازه موسسه حسابرسی است که هر چه حسابرسی صورت‌های مالی صاحبکار توسط مؤسسات بزرگ انجام شود مدیران محافظه کاری بیشتری را به خرج می‌دهند چرا که مؤسسات بزرگ جهت حفظ اعتبار و شهرت خود هیچ‌گاه دست به اقدامی نمی‌زنند که اعتبار خود را از دست بدهند و این امر با توجه به وجود یک کمیته حسابرسی اثربخش و نظارت بیشتر بر شرکت با نقش تعدیلی اندازه موسسه حسابرسی سبب خواهد شد که مدیریت سود در شرکت‌ها کاهش یابد. نتیجه فرضیه دوم پژوهش حاکی از وجود رابطه منفی معنادار است. نتیجه فرضیه پژوهش با پژوهش‌های گارنی، هالیوی و زهری (۲۰۱۶)، ایتون و واهاما

و واهاما (۲۰۱۳)، گارون (۲۰۰۹) همسو می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با یک دوره تصدی حسابرسی در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. نتایج حاصل از فرضیات پژوهش را می‌توان اینگونه استدلال نمود که دوره تصدی حسابرسی باعث کسب شناخت از فعالیت‌های صاحبکار و شرکت می‌گردد و این امر منجر به افزایش تجربه حسابرسی در آن صنعت خاص می‌شود و با توجه به شناختی که حسابرسی از شرایط محیطی صاحبکار پیدا کرده است، رفتار فرصت طلبانه مدیر را کاهش خواهد داد چرا که از فعالیت‌های مدیر طی سال‌های حسابرسی آشنایی و تجربه کافی را کسب کرده است و بهتر می‌تواند بر فعالیت‌های شرکت نظارت داشته باشد. نتیجه فرضیه پژوهش با مطالعات متعددی توسط محققانی همچون بومان و راتزینگر (۲۰۱۷) و گارنی، هالیوی و زهری (۲۰۱۶) اینام و خاموسی (۲۰۱۶) در این زمینه انجام گرفته است همسو می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده از فرضیات پژوهش، پیشنهادات زیر تدوین شده است: با توجه به فرضیه اول پژوهش، پیشنهاد می‌شود که از حسابرسان متخصص در صنعت بیشتر استفاده گردد. چرا که این نوع حسابرسان از دانش و آگاهی لازم برای آن صنعت برخوردار هستند و این امر می‌تواند منجر به کاهش مدیریت سود گردد. لذا پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها برای کاهش هزینه‌های نمایندگی از حسابرسان متخصص در صنعت استفاده نمایند. همچنین به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود با توجه به نتایج حاصل از پژوهش همواره استفاده کنندگان صورت‌های مالی هنگام تجزیه و تحلیل برای خرید سهام شرکت‌ها به متغیرهای همچون ارزش ایجاد شده برای سهامداران همانند تخصص حسابرسی در صنعت توجه ویژه‌ای داشته باشند. از سویی دیگر، همچنین مطابق با نتیجه حاصل از فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر اندازه موسسه حسابرسی به عنوان متغیر تعدیل‌گر بر ارتباط بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد که از مؤسسات بزرگ که دارای اعتبار بالاتری برخوردارند استفاده نمایند. و در صورت امکان از سازمان حسابرسی که به عنوان مرجع استانداردگذاری‌ها و همچنین دارای اعتبار بالایی است جهت افزایش کیفیت حسابرسی خود استفاده کنند. همچنین با توجه به فرضیه سوم که نشان می‌دهد تعویض حسابرسان به صورت ادواری بیانگر رابطه بین کمیته حسابرسی و مدیریت سود است. لذا به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که حسابرسانی که صورت‌های مالی خود را به صورت دوره‌ای تعویض نماید. به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد برای شفاف‌سازی اطلاعات و درک بهتر عملکرد شرکت‌ها، قوانین و مقرراتی را اتخاذ کنند که تاحد امکان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در طول سال‌های متمادی از وجود حسابرسان با کیفیت جهت حسابرسی صورت‌های مالی استفاده کنند.

□ فهرست منابع

۱- بنی مهد، بهمن؛ حساس یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس (۱۳۹۳). مدیریت سود و اظهار نظر حسابرسی: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، دوره هفتم، شماره بیست

و یکم، صص ۱۷-۳۲.

۲- جامعی، رضا و رستمیان، آزاده (۱۳۹۵). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابداری بر ویژگی‌های سود پیش بینی شده. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری. دوره هشتم، شماره بیست و نهم، صص ۱۷-۱.

۳- خدای پور، احمد؛ خورشیدی، علیرضا و شیرزاد، علی (۱۳۹۲). مجله بررسی‌های حسابداری و حسابداری. دوره دوم شماره چهارم، صص ۲۱-۲۸.

۴- خواجوی، شکراله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۴). کیفیت حسابداری و محافظه کاری: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابداری، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۴-۱۹.

۵- رؤیایی، رمضانعلی و آذین فر، کاوه. (۱۳۹۱). رابطه بین کیفیت حسابداری و نوع صنعت. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، دوره پنجم، شماره پانزدهم، صص ۱۹-۳۰.

۶- ساسانی، علیرضا و شریفی راد، محمد (۱۳۹۲). اثربخشی کمیته حسابداری. مجله حسابرس، شماره ۶۹، صص ۹۶-۱۰۰.

۷- صالحی، مهدی؛ اورادی، جواد و سالاری فورگ، زینب. (۱۳۹۵). تأثیر وجود کمیته حسابداری و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابداری. دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۸۳-۵۹.

۸- صفایی، سید عماد؛ همتی، حسن و داغانی، رضا. (۱۳۹۵). ارزیابی تأثیر کیفیت حسابداری بر تأخیر در گزارشگری مالی. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابداری، سال هشتم، شماره ۳۱.

۹- علوی طبری، سید حسین و عصابخش، راضیه (۱۳۸۹). نقش کمیته حسابداری و بررسی موانع ایجاد و به کارگیری آن در ایران. مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره اول، صص ۱۵۵-۱۷۷.

۱۰- فخاری، حسین. محمدی؛ جواد و حسن نتاج کردی، محسن (۱۳۹۴). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابداری بر مدیریت سود اقلام واقعی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره دوازدهم، شماره چهل و ششم، صص ۱۲۳-۱۴۶.

۱۱- کامیابی، یحیی و بوژمهرانی، احسان. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابداری، کیفیت افشا و نسبت غیرموظف اعضای هیئت مدیره. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۱۸-۱۹۱.

1. Abbott, L.J. and Parker S. (2000), 'Auditor selection and audit committee characteristics', Auditing: A Journal of Practice and Theory, Vol. 19, No. 2, pp. 47-66.

2. Agrawal, A. and Knoeber, C. (1996), 'Firm performance and mechanisms to control agency problems between managers and shareholders', Journal of Financial and Quantitative Analysis, Vol. 31, No. 3, pp. 377-397.

3. Archambeault, D. and DeZoort, F. T. (2001), 'Auditor opinion shopping and the audit committee: an analysis of suspicious auditor switches', International Journal of Auditing, Vol. No. 5, pp. 33-52.

4. Baumann, M.F. & Ratzinger-Sakel, N. (2017). Audit Firm Alumni in the Audit Committees of German Companies: An Analysis of the Time Dependence of Alumni Effects on Audit Quality, the Audit Report Lag, and Audit Fees, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2937812>
5. Beasley, M. S., & Salterio, S. E. (2001). The relationship between board characteristics and voluntary improvements in audit committees composition and experience. *Contemporary Accounting Research*, 18(4), 539–570
6. Carcello, J.V. and Neal, T.L. (2003), 'Audit committee characteristics and auditor dismissals following <<new>> going-concern reports', *The Accounting Review*, Vol. 78, No. 1, pp. 95-11.
7. Chen, H., J. Z. Chen, and G. J. Lobo (2010). "Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China", *Contemporary Accounting Research*, Vol. 28, Issue. 3, pp. 892-925.
8. Cohen, J & Park. (2004). Form versus substance: The implications for auditing practice and research of alternative perspectives on corporate governance. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27(2), 181–198.
9. Darabi, R. & Karimi, A. (2000). The Effect of Fixed Asset Growth on Stock Returns. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 2(8), 99-130. (In Persian)
10. Davidson, R., Goodwin-Stewart, J. and Kent, P. (2005), 'Internal governance structures and earnings management' *Accounting & Finance*, Vol. 45, pp. 241-267.
11. DeZoort, F.T. and Salterio, S. (2001), 'the effects of corporate governance experience and Financial reporting and audit knowledge on audit committee members' judgments', *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 20, pp. 31-47.
12. Dutilleul, W. and Willekens, M. (2010), 'The Effect of Auditor Industry Specialization on Audit Pricing in Belgium', *Review of Business and Economics*, LIV (2), pp. 129-146.
13. Eshleman, J.D. & Guo, P. (2014). Abnormal audit fees and audit quality: the importance of considering managerial incentives in tests of earnings management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33 (1), 117-138.
14. Florackis, C. (2005), 'Internal Corporate Governance Mechanisms and Corporate Performance: Evidence for UK Firms', *Applied Financial Economics Letters*, Vol. 1, pp. 211- 216.

15. Garcia-Sanchez, I., Garcia-Meca, E. & Cuadardo-Ballesteros (2017). Do financial experts on audit committees matter for bank insolvency risk-taking? The monitoring role of bank regulation and ethical policy. *Journal of Business Research*, 76, 52-66.
16. Garven, S.A (2009). The Effect of Board and Audit Committee Characteristics on Real Earnings Management: do boards and audit committees play a role in its constraint?. working paper, University of Alabama, Tuscaloosa, AL.
17. Habib, A., & Bhuiyan, M.B. (2016). Problem directors on the audit committee and financial reporting quality, *Accounting and Business Research*, 46(2), 121-144.
18. Inaam ZGARNI Khmoussi HLIQUI Fatma ZEHRI, (2016), "Effective audit committee, audit quality and earnings management: Evidence From Tunisia", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. 6 Iss 2.
19. Ittonen, K., Vahamaa E. and Vahamaa S. (2013). "Female Auditors and Accruals Quality", *Accounting Horizons*, Vol. 27, No. 2, PP. 205–228.
20. Jensen, M.C. and Meckling, W.H. (1976), 'Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure', *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, pp. 305-360.
21. Khan, M., & Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2), 132-150.
22. Lennox, C.S. and Park, C.W. (2007), 'Audit firm appointments, audit firm alumni, and audit committee independence', *Contemporary Accounting Research*, Vol. 24, No. 1, pp. 235-258.
23. Lin, J. W. and Hwang, M. I. (2010), 'Audit Quality, Corporate Governance, and Earnings Management: A Meta-Analysis', *Int. J. Audit.*, Vol. 14, No. 1, pp. 57-77.
24. Manry, D.L., Mock, T.J. and Turner, J.L. (2008), 'Does Increased Audit Partner Tenure Reduce Audit Quality?', *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, Vol. 23, No. 4, pp. 553- 572.
25. McMullen, D. and Raghunandan, K. (1996), 'Enhancing audit committee effectiveness', *Journal of Accountancy*, Vol. 182, pp. 79-81.
26. Mitchell, V.Z., Singh, H. and Singh, I. (2008), 'Association between independent audit committee members' human-resource features and underpricing. The case of Singapore IPOs from 1997-2006', *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, Vol. 12, No. 3, pp. 179- 212.

27. Moharamzadeh, N., Moradzadeh fard, M. & Banimahd, B., (2017), Examining the Effect of Dividend Payment Ratio on Future Earning Growth: Evidences from Iran's Capital Market, International Conference on Modern Approaches in Humanities, Management, Economics and Accounting.
28. Nen-Chen, R.H., Jeng, C., Ying, W. (2013).” Effect of disclosure regulation on earnings management through related-party transactions: Evidence from Taiwanese firms operating in China”. Journal of Accounting and Public Policy, 32 (4): 292-313.
29. Parker, S. (2000), ‘The association between audit committee characteristics and the conservatism of financial reporting’ Working paper, Santa Clara University.
30. Peasnell, K.V., Pope, P.F. and Young, S. (2003), ‘Managerial equity ownership and the demand for outside directors’, European Financial Management, Vol. 9, No. 2, pp. 231-250.
31. Piot, C. and Janin, R. (2007), ‘External auditor, audit committee and earnings management in France’, Europeans accounting review, Vol. 16, No. 12, pp. 223-246.
32. Romney, M. B. and Steinbart, P. J. (1999), ‘Accounting Information Systems, Eighth edition. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall, Inc.
33. Sultana, Nigar. (2010). Audit Committee Effectiveness and Earnings Conservatism – An Australian Analysis. School of Accounting. This thesis is presented for the Degree of Doctor of Philosophy Of Curtin University
34. Sun, Jerry & Lan, George & Liu, Guoping (2014), Independent audit committee characteristics and real earnings management, www.emeraldinsight.com.